



تقریباً در تمام دنیا تعیین‌کننده‌ترین عنصر در تعیین دستمزدها بازبازار تعداد مخاطبان است که به حضور آنها در یک فیلم ممکن است برای بلیت خرید و ورود به سالن سینما ترغیب شوند. این قاعده کامیاب در ایران هم وجود داشته و به جز دوره‌هایی که دستمزدهای نجومی به واسطه مسائلی مثل رقابت‌های سیاسی، ورود پول‌های مشکوک به چرخه اقتصادی ایران و اتفاقات متعدد دیگری از این دست، منطبق اقتصادی کار در سینمای ایران را به هم رده، در باقی دوره دستمزدها

■ پژمان جمشیدی: همان همیشگی لطفا!

سریال پژمان آغازکننده مسیر پژمان جمشیدی در سینمای ایران به عنوان یک چهره سابقا فوتبالی بود. این سریال که محصول سرویس صحت بود، زوج و و سام درخشانی را به یک فرمول برنده در سینما و صنعت سریال سازی تبدیل کرد. به این ترتیب این ۲ در کارهایی چون خوب، بد، جلف و نگراس مخاطب خوبی را به سینماها آوردند به طوری که نگراس ۱۷ ساخته سیدمسعود اطیابی موفق به فروش ۳,۴۴۵,۰۱۷ بلیت در سال ۱۴۰۳ شد.

از جایی به بعد ما شاهد حضور این ۲ به طور جدانگانه در کارهای مختلف بودیم. با توجه به پرفرformance بودن ژانر کمدی در ایران، جمشیدی کار خود را بیشتر در همین ژانر ادامه داد و مخاطب چشمگیری از هم به سینماها کشاند. در حال حاضر وجود وی در کنار چهره‌های مختلفی که بیش و کم به فرمول‌های برنده و جواب پس داده‌ای تبدیل شده‌اند زمینه فروش فیلم‌های این بازیگر را فراهم کرده است. این مثال برای پژمان جمشیدی و محسن کیایی در فیلم لونه زنبور ساخته روزبه نیک‌نژاد نیز به نسبتا خوبی را حاصل کرد. به این ترتیب در ادامه ما شاهد فیلم‌هایی با حضور این ۲ بودیم که نتایج و ثمرات چشمگیری را در بلیت‌فروشی و جذب مخاطب حاصل کردند. دینامیت و هتل ساخته‌های سیدمسعود اطیابی به ترتیب با تعداد بلیت فروخته شده ۲,۵۸۹,۲۸۲ و ۹,۲۶۸,۱۶۱ موفقیت‌های قابل توجهی را کسب کردند.

این ترکیبات به فیلم‌های کمدی ختم نمی‌شود، برای مثال پزمان جمشیدی و صدف اسپهبدی که در فیلم سیمای علفزار اثر کاظم دانشی مورد توجه مردم قرار گرفتند در فیلم هتل نیز باز با یکدیگر به ایفای نقش پرداختند.

حضور ابتدایی او کاملاً مرتبط به نقشش یعنی خود شخصیت پژمان جمشیدی بود اما در ادامه وی با پرسوناهایی که از لحاظ چهره و شخصیت مشابه یکدیگرند به کار خود در سینما ادامه داد. البته بین حضور جمشیدی در آثار کمدی، فروش، و برای عمو از آنجا عبور از کارهای غیر کمدی چون علوفزار و دوزیست به ایفای نقش پرداخت و موفقیت‌هایی نسبی را در فروش بلیت به دست آورد اما از آنجا که کشش مردم به سمت فیلم‌های با حال و هوای جدی کمر است باعث شده مایگین استقبالیان نسبت به فیلم‌های وی در سال ۱۴۰۱ کمتر به نظر برسد.

■ بهرام افشاری: عامه‌پسند

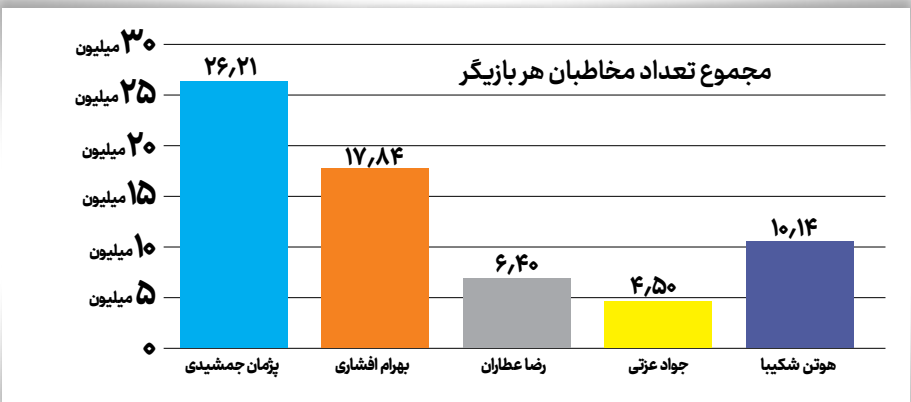
بازی‌های کوتاه و حضور بعضاً کم‌رنگ، زمینه پرورش یک ستاره پر مخاطب را به وجود آورد. بهرام افشاری که در ابتدا بیشتر با سریال پایتخت ۵ اثر سیروس مقدم مورد توجه بینندگان قرار گرفت، در آثار نمایش خانگی و سینمایی نیز به ایفای نقش پرداخت. مثل خیلی دیگر از چهره‌ها بعد از معروفیت به تلویزیون نه نگفت و در هر ۳ مدیوم سینما، سینما و نمایش خانگی به ایفای نقش پرداخت. نکته قابل توجه و عامل برانگیز بازگین پرورش و پر مخاطب سینمای ایران است جزو متغیرهای این گرایش هستند، این است که خاستگاه همه این چهره‌ها صدواسیمیا به شمار می‌رود اما اکثر این چهره‌ها به‌تدریج و با توجه به معروفیتشان حضور کمرنگ‌تری در این فضا پیدا می‌کنند.

■ **هوتن شکبیا:** از صحنه تا پرده  
هوتن شکبیا جزو بازیگرانی است که از تئاتر شروع به کار کرد و اکنون چهره‌ای پر فروش در سینمای ایران به شمار می‌رود اما اثری که رابط او با تئاتر به سینما بود سریال لیسانس‌ها ساخته سروش صحت است. سریال لیسانس‌ها که از شبکه ۳ سینما پخش شد با فضای کمدی و گاه اجتماعی خود توانست مخاطبان زیادی را جذب کند. بار عمده این سریال بر عهده بازیگرانی بود که شهره صحنه تئاتر بود و مخاطب تلویزیون و سینما او را کمتر می‌شناخت. البته بینندگان مجموعه کلاه قرمزی قبل تر وجود او را با صدای عرب‌سک‌هایی چون دبیبی و خونه بغلی حس کرده بودند. شخصیت حبیب با بازی هوتن شکبیا در سریال لیسانس‌ها همان فرمول موفق کاراکترهای مطرح سروش صحت را داشت؛ یک شخصیت ساده‌لوح و کم‌هوش با ضعف‌های بزرگ شخصیتی که موجب ساخته شدن موقعیت‌های طنز می‌شود. این سریال باعث آشنایی بیشتر مردم با هوتن شکبیا شد و سپس تجربه نسبتاً موفق «شبی که ماه کامل شد» عرضه نمود.

■ **رضا عطاران؛ سقوط تدریجی یک رویا**

در روزگاری نه چندان دور نام عطاران به عنوان کارگردان در یک سریال، ضمانتی بود که موقع پخش آن سریال خیابان‌ها خلوت شود اما اکنون قضیه فرق می‌کند.

بعد از کارگردانی و ایفای نقش عطاران در سریال‌های صداوسیما، او با چوچ یک به سینما روند متفاوتی را طی کرد. روی در تولید کار به عنوان کارگردان و فیلمنامه‌نویس حضور داشت اما به هیچ عنوان بازخوردی را که در تلویزیون داشت درون سینما به عنوان کارگردان و نویسنده نگرفت. حضور عطاران به عنوان بازیگر نسبت به کارگردانی و نویسندگی‌اش در سینما از وضعیت بهتری برخوردار است. برای مثال او با بازی در فیلم «هزار» که پر مخاطب‌ترین فیلم ایرانی در دهه ۹۰ بود، با اقبال همراهی خوبی ورزید و مردم اما اوضاع این بازیگر که سابقه خوبی در عرصه طنز داشت



در بین همه افراد و ملل در تمام ادوار زندگی برای هر فردی منحصراً وجود دارند که مردم دیگر برای آن مشکل فقهی به آنان مراجعه می کنند و هیچگاه سابقه ندارد در یک مشکل فقهی مردم به فردی اشتباه آن را فن رجوع یا خودشان بدون صلاحیت درباره آن اظهار نظر کرده باشند. آیا هیچ فردی به امروز برای معالجه مرضی زود آهنگری رفته یا برای اطلاع از امور مالی و شرعی به طبیب رومی می بندد؟ فرض هم که در حادثه‌ای غیرمتخصص در آن نظریه‌ای داده قضاتی کنند، مردم اعتنا واقع نخواهد شد بویژه در خیلی ما در آن کشور سوره‌هایی که حاکم اطلاع از دینی ایشان روی حساب است این گونه کارها یعنی نظریات بی مورد دادن و قضاوت‌های بیجا کردن گاهی مردم به حساب می آید و ممکن است عمل آن مورد عقرب به قضاوتی قرار گیرد. برای نمونه در اینجا بد نیست استیلا را یاد کنیم.

یکی از آشنایان می گفت درای مانش را رابین بنذر  
پپ فرانسه وبنذر نیهوبین انگلستان با کشتی عبور  
می کرد.مری عروشه کشتی پهلوی یک انگلیسی  
سوار بود.ماتر ناراحتی از قیافهش پیدا بود.س  
کمی تردید، علت ناراحتی از او جابجا شدم. شکایت  
سردردی می کرد. به او پیشنهاد یک قرص کالمین  
کردم که از فرانسه همراه داشتم. قبول کرد و خوش  
پس از مدتی سردردش رفع شد و دوباره من را تشکر  
کرد. پرسید شما پزشک هستید؟ کجا منشی دادم.  
تعجب پرسید: پس چطور تجویز دارو می کنید؟  
هر حال در پیاده شدن از کشتی مرا به پلیس  
عرفانی کرد که از این آقامتجوتم که سردرد مرا به پلیس  
مردم تجویز وار شده است. این بود یک نمونه عملی  
واکنش مثبت در برابر آنهایی که عادت کرده اند  
سدون کمترین اطلاع و آگاهی درباره هر چیزی  
و اظهار نظر و داوری کنند، واکنش در برابر کاری  
که بدون شکی ممکن بود ادامه آن برای دهها بیمار  
به مرگ به بار آرد.

آری! این روش پسندیده یعنی در هر فنی به انشمنان آن فن مراجعه کردن در همه جا و در همه مذهبهای آگاه یک اصل ثابت و مسلم است. این دینام دینی چرا و به چه علت همیشه در برهه مذهب کسی می رسد همه می خواهند درباره آن اظهار نظر کنند و بدون داشتن اطلاعات کافی مایلند مسائل آن را همانند یک دانشمند آگاه دینی مورد آوری قرار دهند؟! و اگر هم نتوانستند آن را از دیدگاه خود که کنند، بی رحمانه رد می کنند و می گویند ما بر چنین قانونی نمی روییم، راستی آری! امروز از انصاف نیست کشاورزی که در تمام عمر خود تنها با زمین و آب و گندم سروکار دارد، یا عطاری که همه زندگی خود را صرف خرید و فروش قندو شکر و توتون کرده است، یا یک کارگر ماهر که متخصص تولید پارچه است و با داکتر و طبیبی که اعضای بدن از نظر پزشکی و گاهی هم با چاقوی جراحی سروکار دارد، اگر بخواهند در مسائل دینی اظهار نظر کند و همانند یک دانشمند آگاه که در مذهب به درجه تخصص رسیده، درباره مذهب آوری کنند؟!

سید عبدالکریم هاشمی نژاد  
مناظره دکترو پیر  
نشر شاهد  
صفحات ۱۱ و ۱۲

**درباره تاریخی که دیگر نیستیم...**  
از کودکی فقط نیستی مرا ترسانده بود.  
می‌توانستم محو شدن و وجودم را تصور کنم،  
حذف کامل آن چیزی که بودم، آن هم برای  
همیشه، طی قرن‌ها و قرن‌ها، بی‌آنکه هرگز زندگی  
نو شروع شود.

گاه که در روزنامه‌های تاریخی از قرن آبی دیدیم به خود می‌لرزیدم: در این تاریخ بی‌شک دیگر زنده نبود و آن سال از آینده‌ای که به چشم خود نمی‌دیدم، آینده‌ای که در آن وجود داشتیم، از تشویش لبریز می‌کرد. مگر نه این بود که من جهان بودم و وقتی می‌مردم، همه چیز رومی‌ریخت؟

امیل زولا  
مرگ اولیویه بکای و داستان‌های دیگر  
محمود گودرزی  
نشر افق